

رویکرد جامعه‌محوری پلیس

نویسنده: دکتر اکبر وروایی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۲/۱۲

تاریخ تأیید مقاله: ۸۶/۳/۲۵

صفحات: ۱۱۷-۱۴۵

چکیده:

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سازمانی که در میان سایر بخش‌های حاکمیت نزدیک‌ترین سطح تعامل و برخورد را با مردم دارد، لازم است در اجرای مأموریت‌های خود در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی، بیشترین توجه را به مردم داشته باشد. چنین توجهی در سایه شناخت مناسب مقوله مشارکت‌دهی مردم در امر نظم عمومی و امنیت اجتماعی است و ثمره ارزشمند این امر، کسب اعتماد و جلب رضایت مردم و بالاخره دستیابی به احساس امنیت روانی است.

مقاله حاضر با توجه به اهمیت موضوع، ضمن بررسی نظری و بیان مفهوم و ضرورت این رویکرد، به تشریح اصول حاکم بر رویکرد جامعه‌محوری پلیس می‌پردازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کلید واژه‌ها:

پلیس جامعه محور، رویکرد جامعه‌محور، سازمان پلیس، امنیت اجتماعی، مشارکت مردمی، کنترل جرم، پیشگیری از جرم، سیاست جنایی.

^۱ دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، محقق و عضو هیأت علمی دانشگاه

مقدمه

انسان موجودی است اجتماعی از آن جهت که تأمین نیازهای مختلف مادی و روحی و روانی، وی را به زندگی با سایر هم‌نوعانش واداشته است. بنابراین، بقای نوع انسان در گرو بقای جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. از سوی دیگر زندگی اجتماعی نیازمند نظم و امنیت است و این درجه نیازمندی به حدی است که هیچ جامعه‌ای بدون نظم و امنیت قادر به ادامه حیات خود نمی‌باشد. از این‌رو، تلاش در جهت برقراری نظم و امنیت عمومی، جزء اولین تلاش‌های جوامع بشری در هر عصر و زمانی است.

از آن جا که مقوله نظم و امنیت، بیش از هر مقوله اجتماعی دیگر، مقوله‌ای عمومی و مردمی است، سازمان پلیس به عنوان سازمانی که مسئولیت سنگینی در حوزه برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی برعهده دارد، نه تنها از این قاعده مستثنی نبوده بلکه بیش از هر سازمان و نهاد دیگری نیازمند توجه به رویکرد جامعه‌محوری است.

خوشبختانه در راستای توجه به رویکرد جامعه‌محوری پلیس در انجام امور انتظامی، طی چند سال اخیر شاهد آن هستیم که تلاش‌های قابل توجهی در درون سازمان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرفته است. آشنایی با ابعاد مختلف رویکرد جامعه‌محوری پلیس می‌تواند در تسریع روند این حرکت مؤثر باشد.

۱- مفهوم پلیس جامعه‌محور

برای درک صحیح مفهوم پلیس جامعه‌محور، بهتر است رویکرد جامعه‌محوری پلیس را با رویکرد تهدید محوری آن مقایسه نمود. در رویکرد جامعه‌محوری، سازمان پلیس به جای تکیه صرف بر ابزارهای سنتی سرکوب و اعمال قدرت که لازمه آن تقابل و دوری از جامعه است، با کلیه ارکان جامعه تعامل برقرار

نموده و ضمن توسعه‌ی ارائه‌ی خدمات خود به آنها، از حمایت‌های مختلف مادی و معنوی جامعه در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی بهره‌مند می‌شود.

رویکرد جامعه‌محوری پلیس اشاره به ارتباط و حمایت دوسویه سازمان پلیس و جامعه دارد. از یک سو، سازمان پلیس در تعامل با جامعه، دیدگاه آحاد مختلف مردم درخصوص نیازهای واقعی خود در حوزه نظم و امنیت را می‌سنجد و از نتایج این سنجش در برنامه‌ریزی و ارائه‌ی خدمات انتظامی بهتر به مردم استفاده می‌کند. ضمن اینکه با مردم بودن و جلب اعتماد عمومی نسبت به سازمان پلیس، موجب همکاری و مشارکت عمومی با این سازمان در برقراری نظم و امنیت اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر، جامعه نیز در تعامل با پلیس، دیدگاه‌های مختلف خود را درخصوص نیازهای واقعی حوزه نظم و امنیت به این سازمان منعکس نموده و آن را در تحقق اهداف خدمت‌رسانی‌اش یاری می‌رساند.

بدین ترتیب، می‌توان رویکرد جامعه‌محوری پلیس را نوعی استراتژی سازمان پلیس دانست که بر دو پایه اصلی استوار است:

اولین پایه‌ی این استراتژی را برقراری تعامل پلیس با ارکان مختلف جامعه به منظور امکان خدمت‌گزاری بهتر به مردم تشکیل می‌دهد. این امر اشاره به خاستگاه اصلی سازمان پلیس دارد: «سازمانی برخاسته از مردم و برای مردم». در این مفهوم، پلیس به منزله سازمانی است که از بطن مردم و برای خدمت‌گزاری به مردم برخاسته است. حال که پلیس از مردم و برای مردم است، باید با مردم باشد تا بتواند نیازهای واقعی آنان را درک و از میزان رضایت آن‌ها از عملکرد خود مطلع شود. نتیجه آن خواهد شد که پلیس براساس یافته‌های حاصل از نیازسنجی عمومی در مقوله نظم و امنیت و میزان اثربخشی اجتماعی عملکرد خود، برنامه‌هایش را در جهت ارائه‌ی خدمات بهتر به مردم و جلب رضایت عمومی تنظیم می‌کند.

دومین پایه‌ی استراتژی جامعه‌محوری پلیس، عمومی تلقی نمودن مقوله نظم و امنیت اجتماعی است؛ بدین معنا که پلیس نه می‌خواهد و نه می‌تواند به تنهایی

نظم و امنیت را در جامعه برقرار نماید. این سازمان برای برقراری نظم و امنیت در جامعه نیازمند واقعی کمک و حمایت مردمی است. رویکرد جامعه‌محوری پلیس در واقع نوعی فلسفه و اعتقاد است مبنی بر این که چون مقوله نظم و امنیت مقوله‌هایی عمومی هستند، دستیابی به آن‌ها نیازمند همکاری مشترک پلیس و جامعه است.

پلیس جامعه محور به پلیسی گفته می‌شود که دو هدف عمده را در استراتژی خود در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی دنبال می‌کند. از یک سو، توسعه تعاملات خود با ارکان مختلف جامعه در جهت افزایش خدمتگزاری، و از سوی دیگر، گسترش دامنه مشارکت عمومی در حوزه نظم و امنیت. بدین ترتیب می‌بایست بین استراتژی جامعه‌محوری پلیس و تلاش‌های پراکنده، مقطعی و غیر منسجمی که سازمان پلیس در جهت ارتباط با مردم برقرار می‌کند یا همکاری جزئی و موردی مردم که بعضاً در حوزه نظم و امنیت انجام می‌گیرد، تفاوت قایل شد.

به عبارتی، رویکرد جامعه‌محوری پلیس را می‌بایست جلوه‌ی خدمتگزاری واقعی و مردم‌سالاری عملی دانست. خدمتگزاری واقعی از آن جهت که پلیس در تعاملات مستقیم خود با مردم به خوبی نیازهای واقعی آن‌ها را درک و مناسب‌ترین خدمات را به آن‌ها ارائه نماید. و مردم‌سالاری عملی از آن جهت که کلیه آحاد جامعه در راستای مشارکت اجتماعی، عملاً با سازمان پلیس در تولید نظم عمومی و برقراری امنیت اجتماعی همکاری نمایند.

ترویا نوویچ و باکوروکس پلیس جامعه محور را اینگونه تعریف می‌نمایند: «رویکرد پلیس جامعه محور یک فلسفه است. این رویکرد مشارکت ضابطین قانون و جامعه را در شناسایی مشکلات و ریشه‌یابی آنها و پیدا کردن راه‌حل‌هایی که مشکل را به طور دایم از بین برده و یا کاهش می‌دهد، برمی‌انگیزد. وقتی که افراد جامعه و مأمورین ضابط قانون با یکدیگر همکاری کنند تا کیفیت زندگی را در جامعه بهبود بخشند، فواید این رویکرد به خوبی روشن خواهد شد. ضابطین قانون

از تکرار نشدن یک مشکل برای همیشه بهره‌مند خواهند شد. شهروندان نیز از بهبود وضعیت زندگی خود سود خواهند برد. مأموران پلیس و شهروندان جامعه وقتی به طور مشترک راه‌حلی را پیدا می‌کنند، از اینکه توانسته‌اند خودشان به حل مسئله بپردازند و سپس به راه‌حلی عملی دست یابند، بسیار راضی خواهند بود» (پلیس جامعه محور: ۱۳۸۳ ص ۴۰۳).

۲- ضرورت رویکرد جامعه‌محوری در انجام امور انتظامی

دلایل مختلفی در توجیه ضرورت رویکرد جامعه‌محوری پلیس وجود دارد. برخی از این دلایل در سطح کلان، به کل جامعه و برخی دیگر در سطحی محدودتر، به خود سازمان پلیس مرتبط می‌شود. از منظر کلمان رویکرد جامعه‌محوری پلیس به عنوان یکی از جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی مطرح می‌باشد و از منظر فرد، مشارکت انتظامی عمومی باعث ارتقای سطح کارایی این سازمان و نیز جلب اعتماد عمومی به آن می‌شود. براین اساس، ضرورت رویکرد جامعه‌محوری پلیس در دو سطح جامعه و سازمان پلیس قابل بررسی است.

۲-۱- ضرورت رویکرد جامعه‌محوری پلیس در سطح جامعه

ضرورت رویکرد جامعه‌محوری پلیس در سطح جامعه را می‌بایست در لزوم مشارکت عمومی جهت استراتژی مهار و کنترل جرم یا همان سیاست جنایی مشارکتی جستجو نمود. سیاست جنایی به لزوم اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب در جهت کنترل پدیده مجرمانه تأکید دارد. واژه سیاست و تدبیر اشاره به عقلانیت داشته و بدین ترتیب، محور پاسخ‌دهی به جرم را از احساس دور ساخته و بر محور منطق و عقلانیت قرار می‌دهد (و بدین‌سان، پاسخ‌دهی احساسی به جرم نفی می‌شود).

هدف اصلی سیاست جنایی، مهار و کنترل پدیده‌های جنایی در جوامع بشری است و برای رسیدن به آن، بر چند نکته تأکید می‌شود. نخست آن که، تدابیر کنترل

جرم محدود به تدابیر صرفاً کیفری و سرکوب‌گر نبوده، بلکه بخش وسیعی از تدابیر اصلاحی، درمانی و حمایتی را شامل می‌شود. سپس آن که، پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه محدود به وضعیت پس از وقوع جرم (مابعد جنایی) نبوده، بلکه وضعیت پیش از وقوع جرم (مقابل جنایی) را نیز شامل می‌شود. بدین سان، سیاست جنایی بر اتخاذ تدابیر و راهکارهای پیشگیرانه تأکید بسیار دارد. سوم آن که، پاسخ‌های داده شده به پدیده جنایی (اعم از تدابیر ناظر به وضعیت پیش از وقوع جرم و پاسخ‌های ناظر به وضعیت پس از وقوع جرم) صرفاً دولتی نبوده و کلیه ارکان و بدنه جامعه به این پدیده پاسخ‌های مناسب و عقلایی می‌دهند. پاسخ دهی بدنه و پیکره جامعه به پدیده مجرمانه به منظور مهار و کنترل آن، از جمله مهم‌ترین بخش‌های سیاست جنایی، یعنی سیاست جنایی مشارکتی را تشکیل می‌دهد.

مشارکت جامعه در پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه می‌تواند در هر دو مرحله پیش و پس از وقوع جرم باشد. مرحله پیش از وقوع جرم ناظر به پیشگیری از جرم بوده که جایگاه خاصی در استراتژی کنترل جرم دارد، چرا که اساساً پیشگیری از جرم موثرتر و کم هزینه‌تر از مبارزه و سرکوب آن است. به عبارت دیگر، در سیاست جنایی نیز همچون علوم پزشکی بر این امر تأکید می‌شود که پیشگیری مقدم بر درمان است. تدابیر و راهکارهای پیشگیرانه‌ی انتظامی، به نوبه خود، جایگاه ویژه‌ای در امر پیشگیری و کنترل جرم دارند. از یک سو، پلیس در تلاش است که با اجرای تدابیر و راهکارهای خاص، فرصت ارتکاب جرم را به حداقل برساند، و از سوی دیگر با ارائه‌ی آموزش‌های عمومی به آحاد مختلف جامعه و ارتقای سطح آگاهی آن‌ها، پلیس در تلاش است تا افراد مختلف جامعه، به ویژه بزه‌دیدگان بالقوه، یعنی افرادی که در مقابل آماج جرم آسیب پذیرند را در مقابل پدیده مجرمانه مقاوم ساخته، به گونه‌ای که احتمال بزه‌دیدگی آنها کاهش یابد. مشارکت عمومی مردم پیش شرط ضروری موفقیت تدابیر پیشگیرانه انتظامی است، به ویژه در اجرای تدابیر

خود کترلی که هدف آن کاهش موارد بزه‌دیدگی از طریق مشارکت و همکاری افرادی است که احتمال بزه‌دیدگی دارند.

مرحله پس از وقوع جرم نیز به نوبه‌ی خود مراحل مختلفی را شامل می‌شود. اولین مرحله کشف جرم است که وظیفه سازمان پلیس به شمار می‌آید. از آنجا که کشف جرم نخستین مرحله از فرآیند دادرسی کیفری یعنی روند رسیدگی به جرم را تشکیل می‌دهد، بدون اجرای آن از سوی پلیس، سایر مراحل فرآیند کیفری یعنی تحقیقات مقدماتی، تعقیب، دادرسی و اجرای حکم به جریان نمی‌افتند. بدین‌سان، کشف جرم از جمله مهم‌ترین مراحل مبارزه با تبهکاری است و اگر پلیس نتواند تبهکاری را کشف کند، این پدیده به صورت پنهان باقی مانده و امکان مبارزه با آن به وجود نمی‌آید. یکی از کسانی که بر لزوم کشف جرم به منظور امکان مهار و کنترل اجتماعی آن تاکید بسیار دارد، «سزاربکاریا» اندیشمند ایتالیایی و بنیانگذار حقوق کیفری نوین است. به نظر وی، سودمندی دستگاه عدالت کیفری و اجرای مجازات‌ها را می‌بایست در آثار بازدارندگی آن جستجو نمود، چرا که اعمال مجازات بر مرتکب جرم دو پیام ارعابی و بازدارندگی فردی و اجتماعی دربردارد.

نخستین پیام اجرای مجازات‌ها، پیام ارعابی و بازدارندگی فردی برای مرتکب جرم است. با کشف، رسیدگی و اجرای کیفر بر مجرم، جامعه این پیام را به مجرم می‌دهد که ارتکاب جرم علیه جامعه و وارد آوردن صدمه و آسیب به منافع مختلف آن، بدون پاسخ نمانده و با واکنش و اعمال صدمه همراه است. همین امر، مرتکب جرم را از تکرار جرم در آینده بازخواهد داشت. از سوی دیگر، کشف جرم، رسیدگی و اعمال مجازات در مورد مرتکب آن، دارای آثار بازدارندگی و ارعابی عمومی نیز هست؛ بدین ترتیب که افراد جامعه‌ای که شاهد وقوع جرم بوده‌اند و ملاحظه نموده‌اند که فردی از افراد آن جامعه با تخطی از قوانین و مقررات، منافع غیرمشروعی را از طریق صدمه زدن به منافع دیگران به دست آورده، دستگیر شده و

به سزای اعمالش می‌رسد، و بنابراین هرگونه وسوسه ارتکاب جرم در آن‌ها خاموش شده و از ارتکاب جرم بازداشته می‌شوند.

به عقیده «بکاریا»، برای افزایش آثار ارعابی فردی و جمعی مجازات‌ها، به جای افزایش شدت آن‌ها که افرادی نظیر «جرمی بتسام» اندیشمند انگلیسی بر آن تاکید می‌کردند؛ می‌بایست بر سرعت و قطعیت اجرای مجازات‌ها افزود. به بیان دیگر، اگر در فاصله زمانی نزدیک به ارتکاب جرم، تمام یا اکثر مرتکبین جرایم شناخته شده و پس از رسیدگی به جرایم آنها در دستگاه عدالت کیفری، به سرعت محکوم و مجازات شوند، آنگاه مجازات‌ها می‌توانند آثار ارعابی فردی و اجتماعی خود را برجا بگذارند. در این صورت، دیگر لازم نیست که بر دامنه شدت مجازات‌ها به صورت افراطی و بی‌حد و حصر افزود. به عبارتی، لازمه مهار و کنترل جرم، کشف سریع کلیه یا اکثر جرایم ارتكابی است نه افزایش میزان مجازات‌ها.

با توجه به اهمیت کشف جرم در فرآیند دادرسی کیفری و همچنین استراتژی کنترل جرم، نقش و جایگاه ارزنده پلیس در سیاست جنایی و همچنین اهمیت مشارکت مردمی با پلیس در مرحله کشف جرم به خوبی روشن می‌شود. چراکه همکاری مردم با پلیس در مرحله کشف جرم باعث می‌شود تا آمار کشف جرم بالا رفته و درصد تبه‌کاری آشکار نسبت به تبه‌کاری پنهان بیشتر شود. با افزایش میزان کشف جرم نیز به طور طبیعی بر آثار بازدارندگی و ارعاب مجازات‌ها افزوده می‌شود.

از آن چه گذشت، مشخص می‌شود که پلیس در دو مرحله پیشگیری از جرم و کشف جرم دارای نقش مهمی در استراتژی کنترل جرم است و مردم می‌توانند در هریک از این مراحل، نقش مهمی ایفا نمایند. بنابراین به خوبی نقش موثر مشارکت انتظامی مردم با پلیس در کنترل پدیده جنایی روشن می‌شود و این امر، به نوبه خود ضرورت رویکرد جامعه‌محوری پلیس را در انجام وظایف محوله در امر کنترل جرم آشکار می‌سازد. مسلماً «پلیس نباید و نمی‌تواند به تنهایی بار مسئولیت تأمین نظم و

امنیت در جامعه را به دوش بکشد، از همین‌رو افراد پلیس باید بیش از آن چه کرده‌اند، تلاش کنند تا شهروندان را در تمامیت کار پلیس مشارکت دهند. یک جامعه باید پلیس خود باشد. پلیس در بهترین حالت، تنها می‌تواند در آن کمک کند. برای روشن شدن موضوع می‌توان از مقایسه پزشک با بیمار استفاده کرد. پزشک می‌تواند بیمار را معاینه کند، شرح حال او را بگیرد و بر مبنای علایم بیماری، یک راه درمان را تجویز کند. بیمار اگر بخواهد معالجه شود، باید در توصیف علایم بیماری خود صادق باشد و درمان توصیه شده را دنبال کند. به علاوه، در کار پزشکی هم مانند کار پلیسی، بهترین نگرش در مرحله اول، پیشگیری از بیماری است. پلیس دیگر نمی‌تواند مسئولیت کامل بروز مشکلات یا جرایم را بپذیرد. موفقیت، تنها هنگامی به دست می‌آید که پلیس و جامعه در کنار هم برای یافتن راه‌حل تلاش کنند. سلامت و صحت جامعه حاصل مشارکت در مسئولیت و اختیارات در مورد علل وقوع جرایم و خود جرم است. اگر جامعه به صورت فعال با پلیس و تلاش آن برای حل مشکلات جامعه مشارکت نکند، ما همواره در باتلاق کار پلیسی منفعلانه (واکنشی) به جای کار پلیسی فعالانه، گرفتار خواهیم ماند» (مجله نگهبان: شماره ۲، ۱۳۸۰، ص ۳۱).

۲-۲- ضرورت رویکرد جامعه‌محوری پلیس در سطح درون سازمانی

آن چه تاکنون درخصوص ضرورت رویکرد جامعه‌محوری بیان شد، ناظر به سطح عمومی و اجتماعی آن است. با این وجود، در سطح درون سازمانی نیز دلایل متعددی ضرورت توجه سازمان پلیس به رویکرد جامعه‌محوری در انجام امور انتظامی را توصیه می‌کند که از جمله می‌توان به دو مورد اشاره کرد؛ مورد نخست بر لزوم رویکرد جامعه‌محوری در انجام امور پلیسی برای ارتقای کارایی این سازمان، و مورد دوم بر ضرورت توجه به رویکرد جامعه‌محوری پلیس جهت جلب اعتماد عمومی ناظر می‌باشد.

۱-۲-۲- ارتقای کارآیی پلیس

از جمله عوامل مهمی که در ارتقای سطح کارآیی سازمان پلیس نقش دارد، تعاملات مردمی این سازمان است. هرچه سازمان پلیس تعاملات بیشتری با جامعه‌ای که در آن انجام وظیفه می‌کند، داشته باشد، شناخت این سازمان از نیازها، مشکلات و کمبودهای موجود در حوزه نظم عمومی و امنیت اجتماعی بیش‌تر می‌شود. برعکس، اگر پلیس جدای از جامعه باشد، نمی‌تواند با جامعه تعاملات لازم را داشته باشد و بنابراین از مشکلات و دغدغه‌های آن‌ها در حوزه نظم و امنیت بی‌خبر می‌ماند. این بی‌خبری، آثار و تبعات بسیار منفی‌ای را برای سازمان پلیس دربردارد.

هنگامی که سازمان پلیس در داخل جامعه حضور داشته و با اجزاء و ارکان تشکیل دهنده‌ی آن در تعامل باشد، از نزدیک می‌تواند ضمن مشاهده مشکلات و نیازهای مردم در حوزه نظم و امنیت، از دیدگاه‌ها و انتظارات آن‌ها از سازمان پلیس و همچنین انتقاداتی که راجع به نحوه عملکرد سازمانی پلیس دارند، آگاه شود. بدین ترتیب، پلیس در تدوین سیاست جنایی می‌تواند از این نظریات و دیدگاه‌های عمومی استفاده نموده و نرخ موفقیت استراتژی کنترل جرم را ارتقا بخشد.

علاوه بر این، پلیس همچنین می‌تواند از طریق جلب مشارکت و همکاری عملی گروه‌های مختلف جامعه به طرق مختلف سطح کارآیی و راندمان کاری خود را ارتقا بخشد، «کارن، ام‌هس» و «لیندا اس میلر» درخصوص چگونگی ارتقای سطح کارآیی پلیس در صورت اتخاذ رویکرد جامعه‌محوری به دلایل مختلفی از جمله موارد زیر اشاره می‌کنند:

- ایجاد یک فلسفه‌ی فراگیر در اداره و پذیرش همگانی کارکنان.
- بوجود آمدن نفوذ و احترام برای مأموران در داخل و خارج اداره.
- انجام خدمت مستقیم، به طوری که یک مأمور هم شکایت را دریافت می‌کند و هم نکاتی برای پیشگیری از وقوع جرم ارائه می‌دهد.

- شهروندان، مشکلات را شناسایی و در تعیین دستور کار پلیس همکاری می‌کنند.
- مسئولیت‌پذیری پلیس علاوه بر مکانیزم‌های اداری به وسیله شهروندان دریافت‌کننده‌ی خدمات نیز تضمین می‌شود.
- مأمور پلیس، رهبر و نوعی «کاتالیزور تغییر» در محله برای کاهش ترس از جرم، بی‌نظمی، فساد و جرایم است.
- رئیس پلیس، یک مدافع است و روند ارائه‌ی خدمات اجتماعی و اجرای قانون را در حوزه‌ی استحفاظی خود تنظیم می‌کند.
- مأموران به مردم در مورد موضوعات امنیتی (مثل زمان واکنش یا گشت پیشگیری) و نیاز به اولویت‌بندی خدمات، آموزش می‌دهند.
- افزایش اعتماد میان مأمور پلیس و شهروندان به دلیل نتایج حاصل از ارتباط منظم و درازمدت، باعث افزایش جریان اطلاعات به سوی پلیس می‌شود.
- مأمور پلیس همواره شخصاً یا از طریق تلفن یا یک دفتر کار غیرمتمرکز در دسترس است.
- نفوذ از «پایین به بالا» است. شهروندان دریافت‌کننده خدمات به تعیین اولویت‌ها کمک می‌کنند و بر سیاست‌ها و خط‌مشی پلیس تأثیر می‌گذارند.
- تغییرات سازمانی و تجدید ساختار اداری معنی‌دار است و از انتخاب مأموران گرفته تا آموزش، ارزیابی و تقارن را شامل می‌شود.
- هنگام لزوم مداخله، کنترل اجتماعی غیررسمی، انتخاب اول است.
- مأمور پلیس همه منابع جامعه از جمله شهروندان، سازمان‌های دولتی و خصوصی و مشاغل خصوصی را بسیج می‌کند.
- علایم موفقیت عبارتند از: کاهش ترس مردم از جرم و جنایت و بی‌نظمی در محله و وقوع جرایم.

- همه مأموران و کارکنان سازمان پلیس قسم خورده هستند.» (تروبا نوویچ و باکوروکس، ۱۹۹۰)

۲-۲-۲- جلب اعتماد عمومی

مشارکت عمومی با سازمان پلیس در زمینه برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی در واقع به گسترش هویت مدنی پلیس یعنی مردمی بودن آن توجه دارد و به هر میزان که سازمان پلیس به سمت جامعه‌محوری و داشتن تعاملات گسترده‌تر با مردم حرکت کند، علاوه بر بالا رفتن راندمان و بهبود عملکرد پلیسی که در نتیجه منجر به کاهش هزینه‌های تأمین نظم و امنیت می‌شود، زمینه‌های جلب اعتماد مردم را نسبت به پلیس فراهم می‌آورد. به بیان دیگر، بین گسترش دامنه رویکرد جامعه‌محوری در انجام امور انتظامی و افزایش سطح اعتماد عمومی نسبت به سازمان پلیس، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. این امر می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. از جمله مهم‌ترین آنها، این است که مردم احساس می‌کنند نظم و امنیت، در واقع مقوله‌هایی اجتماعی و مردمی هستند تا دولتی. به بیان دیگر، امنیت و نظم برای مردم است و در واقع، آنها هستند که از آثار تلاش‌های سازمان پلیس در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی، به طور مستقیم بهره‌مند می‌شوند. همچنین، این برداشت که فواید برقراری نظم و امنیت در جامعه مستقیماً به کلیه افراد جامعه برمی‌گردد و همراه شدن آن با مشاهده تلاش‌های سازمان پلیس در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی، موجب می‌شود تا اعتماد عمومی به پلیس جلب شود. در واقع، وقتی مردم از نزدیک با خدمات نهاد پلیس در بخش‌های مختلف آشنا می‌شوند و صحت و سلامت این نهاد را در راه خدمتگزاری به جامعه از نزدیک مشاهده می‌کنند، اعتماد آنها به این سازمان و کارکنان آن به مراتب بیشتر می‌شود.

۳- اصول حاکم بر رویکرد جامعه‌محوری پلیس

جهت ایجاد تحول در سازمان پلیس برای حرکت بر مدار رویکرد جامعه‌محوری، می‌بایست اصولی از سوی سازمان پلیس، فرماندهان و مسئولان و کلیه کارکنان آن مورد توجه قرار گیرد.

۳-۱- اصول ده‌گانه فریدمن

«فریدمن» در کتاب پلیس جامعه‌محور خود به ده اصل از اصول حاکم بر رویکرد جامعه‌محوری پلیس اشاره می‌کند. شرح اصول ده‌گانه رویکرد جامعه‌محوری «فریدمن» بدین قرار می‌باشد (فریدمن، ۱۹۹۲).

۳-۱-۱- پلیس جامعه‌محور یک فلسفه و استراتژی است:

پلیس جامعه‌محور هم یک فلسفه و هم یک استراتژی سازمان یافته است که به پلیس، ساکنین و جامعه امکان می‌دهد که از نزدیک با هم کار کنند و برای پیدا کردن راه‌های جدید حل مسایل جرم، ترس از جرم، بی‌نظمی‌های اجتماعی و فیزیکی و تباه شدن محله با یکدیگر همکاری نمایند. این فلسفه مبتنی بر این عقیده است که مردم قانون‌گرای جامعه در قبال جلب اعتماد و مشارکت آنها از سوی سازمان پلیس، به خوبی شایسته‌ی سهم شدن در فرآیند برقراری نظم و امنیت هستند. آن (فلسفه پلیس جامعه‌محور) همچنین مستلزم فارغ نمودن هم مردم و هم پلیس از تمرکز تنگ‌نظرانه به روی بررسی موردی پدیده جنایی یا بزه‌کاری در جهت کشف شیوه‌های خلاق و جدید برای حل و فصل دغدغه‌های محلی در سطح کلان پدیده مجرمانه یا تبه‌کاری است.

۳-۱-۲- اجرای استراتژی رویکرد جامعه‌محوری پلیس مستلزم مشارکت کلیه

کارکنان این سازمان است:

کلیه کارکنان در سازمان پلیس می‌بایست در عملی ساختن استراتژی رویکرد جامعه‌محوری پلیس سهم بوده و مداخله نمایند. این امر مستلزم تحول و چرخشی

ظریف و پیچیده است. به طوری که همه کارکنان در سازمان پلیس بفهمند که نیاز به تمرکز بر روی حل مشکلات جامعه به شکلی خلاق است و آن عبارتست از ترغیب افراد جامعه در ایفای نقش پلیسی.

پلیس جامعه‌محور همچنین به طور ضمنی نیاز به تحول درون سازمانی در راستای اعطای استقلال نظر به افسران پلیس است که برای ارزیابی از خود به عنوان متخصصین پلیس احترام قایل شوند.

۳-۱-۳- اجرای تدابیر استراتژی رویکرد جامعه‌محوری پلیس، به یک نسل جدید از افسران نیازمند است:

برای اجرایی نمودن تدابیر استراتژی رویکرد جامعه‌محوری، سازمان‌های پلیس می‌بایست نسل جدیدی از افسران پلیس جامعه‌محور^۱ را به خدمت گیرند. وظیفه این افسران نسل جدید آن خواهد بود که به عنوان حلقه مستقیم ارتباطی بین پلیس و مردم در جامعه باشند. این افراد که در واقع نقش متخصصین خدمات انتظامی پلیس را ایفاء می‌کنند، می‌بایست فارغ از انزوای ماشین گشت و درخواست‌های بی‌سیم پلیس، به صورت مستمر همه روزه ارتباط رو در رو با مردم داشته باشند.

۳-۱-۴- لزوم جلب همکاری شهروندان داوطلب:

یکی از اصول مهم در رویکرد جامعه‌محوری، لزوم تماس دایم و مستمر افسران پلیس جامعه‌محور با شهروندان داوطلب جامعه است. در این همکاری مشترک دو طرف سعی می‌کنند راه‌حل‌های خلاقانه جدیدی برای دغدغه‌های محلی شامل تبهکاری، ترس از جرم و جنایت، فساد و بی‌نظمی پیدا کنند.

^۱ Community Policing Officer

افسران پلیس جامعه‌محور در تماس با شهروندان ضمن ارائه کمک و اجابت درخواست‌های قانونی آنان، ابتکارات خاصی را برای حل مشکلات آنها و ارتقای کیفیت عمومی زندگی ساکنین محلات به کار می‌برند.

علاوه بر این یکی از فعالیت‌های افسران پلیس جامعه‌محور می‌بایست تلاش در ایجاد ارتباط بین افراد نیازمند جامعه و سازمان‌ها و نهادهای دولتی و حمایتی باشد. جلب کمک سازمان‌های حمایتی برای افراد نیازمند می‌تواند به عنوان تدابیر پیشگیرانه از بزه‌کاری یا بزه‌دیدگی آنها بسیار مؤثر باشد. همچنین بخشی از این حمایت‌ها می‌بایست معطوف به افراد بزه‌دیده و قربانی جرم باشد.

۱-۳- ایجاد ارتباط جدید بین شهروندان و پلیس:

رویکرد جامعه‌محوری، یک نوع ارتباط جدید بین شهروندان جامعه و سازمان پلیس را پایه‌گذاری می‌کند. در واقع رویکرد جامعه‌محوری را می‌توان به مثابه پیمانی جدید بین شهروندان و سازمان پلیس دانست که در این پیمان ضمن توافق بر کنار گذاشتن هر گونه بی‌تفاوتی در خصوص مسایل جامعه، هر نوع حرکت و فعالیت خودسرانه غیرقانونی برای اجرای عدالت نفی می‌گردد. مبنای چنین عهد و پیمانی چیزی جز اعتماد متقابل شهروندان و پلیس نیست. در این پیمان جدید، هر یک از شهروندان می‌پذیرند که جهت ارتقای کیفیت عمومی زندگی در جامعه، وظیفه و سهمی را به عهده داشته باشند. علاوه بر این یکی از نتایج چنین پیمانی آن خواهد بود که برخی معضلات کوچک از سوی خود شهروندان حل شود و در مقابل سازمان پلیس با فراغ خاطر از این امور غیر مهم، با مردم بر روی یافتن راه‌حل‌های بلند مدت برای حل مسایل اساسی و مهم جامعه تشریک مساعی نمایند.

۱-۳- رویکرد جامعه‌محور بر تلاش‌های پیشگیرانه پلیس تأکید دارد:

انتخاب رویکرد جامعه‌محوری در انجام امور انتظامی بر پایه اصول سیاست کنترل جرم بر عنصر پیشگیرانه تأکید دارد. این امر سبب می‌شود که پلیس در کنار ابزارهای سنتی سرکوب‌گر، در اجرای قانون از تدابیر و راه‌کارهای پیشگیرانه در

سطح وسیعی برای برقراری نظم عمومی و اجرای قانون استفاده کند. برای تحقق این امر ادارات پلیس می‌بایستی به عنوان تنها آژانس نظارت و کنترل اجتماعی در تمام ایام هفته به صورت ۲۴ ساعته توانایی خود در پاسخ‌دهی به بحران‌های اضطراری و وقایع و اتفاقات روزمره، همچنین پدیده‌های جنایی حفظ کند. اما پلیس جامعه محور نقش پلیس را باز هم گسترده‌تر می‌کند به گونه‌ای که سازمان پلیس می‌تواند بر سیر تحولات جامعه تأثیر بیشتری داشته باشد که این امر لازمی ساخت جامعه‌ای امن‌تر در آینده باشد.

۷-۱-۳- حمایت پلیس جامعه‌محور از افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه:

یکی از مهم‌ترین اصولی که می‌بایست همواره مورد توجه پلیس جامعه‌محور باشد، حمایت از افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه از جمله سالمندان، کودکان، اقلیت‌ها، بی‌خانمان‌ها، فقرا و معلولین است. به طور طبیعی در هر جامعه افرادی یافت می‌شوند که در عرصه زندگی اجتماعی به گونه‌ای آسیب‌پذیر بوده و نسبت به انواع تهدیدات بیرونی بیشتر از سایر افراد جامعه احتمال صدمه دیدن دارند. این افراد نیازمند حمایت‌های فوری و ضروری هستند، در غیر این صورت احتمال آسیب‌دیدگی آنها از حوادث مختلف طبیعی و اجتماعی همچنین بزه‌دیدگی آنها از ارتکاب تبه‌کاری بسیار خواهد بود.

تلاش پلیس جامعه‌محور در خصوص افراد آسیب‌پذیر جامعه بر این دو محور استوار خواهد بود که پلیس با ارایه‌ی تدابیر و راهکاری مناسب، اولاً احتمال آسیب‌دیدگی و بزه‌دیدگی این افراد را کاهش دهد و ثانیاً در خصوص افراد آسیب‌دیده و بزه‌دیده با جلب حمایت‌های فوری سازمان‌ها و نهادهای حمایتی در جهت تسکین آلام و مصایب آنها برآید.

۸-۱-۳- رویکرد جامعه‌محوری پلیس بر اصل توازن بین توجه به عامل

انسانی و نوآوری‌های تکنولوژی استوار می‌باشد:

پلیس جامعه‌محور ضمن پذیرش لزوم استفاده عقلایی از فن‌آوری روز در انجام امور انتظامی، با این حال بر این امر نیز تأکید می‌کند که استفاده از فن‌آوری به معنای بی‌توجهی به عامل انسانی نیست، بلکه بر این امر تأکید می‌شود که افسران جامعه‌محور پلیس که در سطح خیابان‌ها و کوچه پس‌کوچه‌های شهر با مردم جامعه و ساکنین محلات ارتباط مستقیم دارند، می‌توانند در تعامل با افراد جامعه با ارائه ابتکارات خلاق خود بسیاری از مشکلات اجتماعی شهروندان را حل کنند.

۹-۱-۳- رویکرد جامعه‌محوری، رویکرد یکپارچه در سطح سازمان پلیس:

شرط موفقیت رویکرد جامعه‌محوری سازمان پلیس آن است که چنین رویکردی نمی‌بایست صرفاً به بخش یا بخش‌هایی از این سازمان‌ها محدود باشد، بلکه می‌بایست کلیه بخش‌های سازمان پلیس با رویکرد جامعه‌محوری وظایف و فعالیت‌های خود را انجام دهند.

در حالی که افسران پلیس جامعه‌محور، به عنوان متخصصین اجتماعی در تعامل نزدیک با شهروندان فاصله بین سازمان پلیس و مردم را از بین می‌برند، این افسران برای موفقیت در کار خود نیازمند پشتیبانی اطلاعاتی و مادی مناسب از سایر بخش‌های سازمان هستند، بنابراین وضعیت سایر بخش‌ها نیز می‌بایست با همین رویکرد جامعه‌محوری به انجام وظیفه پردازند.

۱۰-۱-۳- لزوم تمرکز زدایی در سازمان پلیس:

یکی از مهمترین اصولی که لازمه موفقیت سازمان پلیس در رسیدن به اهداف رویکرد جامعه‌محوری آن است، لزوم تمرکز زدایی سازمانی است. بدین معنا که نمی‌بایست تمام قدرت تصمیم‌گیری‌ها و اختیارات سازمانی در ستاد ادارات پلیس متمرکز بوده و بخش‌های صفی پلیس که در ارتباط مستقیم با معضلات و مشکلات مختلف اجتماعی هستند و به همین دلیل بهتر می‌توانند برای حل این مشکلات تصمیم‌گیری نمایند، از هیچ‌گونه قدرت تصمیم‌گیری برخوردار نباشند. بنابراین می‌بایست به کلیه رده‌های صفی تا سطح افسران رابط پلیس که در محلات ایفای

وظیفه می‌نمایند، اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری متناسب با وظیفه‌ای که دارند، اعطاء شود.

۲-۳- اصول جلب مشارکت انتظامی

آنچه گذشت شرحی بر اصول ده‌گانه رویکرد جامعه‌محوری پلیس از دیدگاه «فریدمن» بود. با این حال باید توجه داشت که ضرورتاً اصول رویکرد جامعه‌محوری پلیس محدود به اصول مذکور نبوده و برای تحقق اهداف رویکرد جامعه‌محوری، سازمان پلیس می‌بایست به نکات مهم دیگری نیز توجه داشته باشد. به عنوان مثال، پلیس جامعه‌محور در جلب مشارکت مردمی در انجام امور انتظامی می‌بایست به این موارد نیز توجه کافی را داشته باشد:

۱-۲-۳- لزوم برداشت مشترک مردم و پلیس از مفهوم نظم و امنیت:

اولین اقدام، تلاش در جهت برداشت مشترک مردم و پلیس از مفهوم نظم و امنیت است. بدین معنی که جامعه و نیروی انتظامی هر دو مفاهیم مشترکی از امنیت را دارا باشند. نه اینکه پلیس مفهومی خاص از نظم و امنیت در ذهن داشته باشد، و مردم مفهومی دیگر.

اهمیت این درک مشترک به حدی بالاست که فقدان چنین درکی کار پلیس را بی‌اثر نموده و اثر وجودی، سرمایه‌گذاری و فرصت‌ها و همه اهداف را زیر سؤال می‌برد.

۲-۲-۳- فرهنگ‌سازی:

دومین اقدام فرهنگ‌سازی است. یعنی برقراری ارتباط منطقی بین فرهنگ و امنیت تا بتوان از لحاظ روحی و روانی زمینه‌های مشارکت مردم در تأمین نظم و امنیت پایدار را فراهم نمود. «آنچه در دنیا رایج است اینکه، در نظام آموزشی و در نظام اجتماعی مجموعه‌ای از عناصر ناخودآگاه وجود دارد تا انسان‌ها به صورت خودکار در سطوح وظایف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی صحیح عمل بکنند. از

جمله می‌توان به احساس تعلق به کشور و میهن اشاره کرد. یکی از عوامل بسیار تعیین کننده در حوزه‌ی فرهنگ و امنیت در قاعده هرم این است که افراد نسبت به سرزمینی که زندگی می‌کنند، احساس تعلق داشته باشند. عمده بحث امنیت و فرهنگ، روانی است و در ضمیر ناخودآگاه انسان‌هاست. اگر افراد جامعه نسبت به کشور و آب و خاک احساس تعلق کنند، بعید است زباله‌های داخل ماشین را در خیابان بریزند و یا نسبت به هموطنان خود بدقولی کنند. باید بین تعلق به وطن از لحاظ احساسی و تعلق به وطن از لحاظ عقلایی تفکیک قایل شد. تعلق به وطن به لحاظ احساس این است که یک ایرانی، غذای ایرانی دوست داشته باشد یا موسیقی ایران را دوست بدارد. علاقه به وطن و تعلق سرزمینی به معنای عقلایی این است که یک ایرانی در حوزه‌ی فعالیت خود و برنامه زندگی در این جامعه جا باز کرده و احساس کند که باید بخشی از نیروی وی صرف جامعه بشود، چون به آن تعلق خاطر دارد. پس در قاعده این هرم مهمترین مسأله این است که ما احساس کنیم که همه جزء یک مجموعه هستیم. اگر افراد جامعه به بسیاری از مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود عمل کنند، خیلی از فعالیت‌های دولت کاهش پیدا می‌کند. این مسأله نیاز به تربیت دارد. به جای اینکه ما در نظام آموزشی این همه وقت برای تاریخ و جغرافیا بگذاریم، یک بخشی هم برای تربیت و مهارت‌های زندگی بگذاریم. در کشورهای صنعتی آموختن مهارت زندگی را از دبستان شروع می‌کنند. البته این از وظایف صدا و سیما و مطبوعات است. اگر رسانه‌ها برای تربیت عامه مردم وقت بگذارند، به آینده ایران و مردم ایران خدمت بزرگی کرده‌اند. مهمترین سرمایه یک کشور تربیت انسان‌هایی است که اعتماد به نفس داشته باشند. ژاپنی‌ها سرزمین بسیار کوچکی با منابع طبیعی در حد صفر دارند، ولی ملتی بسیار پرکار و مطمئن هستند. این بزرگ‌ترین سرمایه کشورشان است.

خیلی راحت می‌گوییم جنگ جهانی دوم تمام شد. آلمان مخروبه‌ای بود و در عرض ۲۰ سال ملت آلمان این کشور را تبدیل به اقتصاد دوم دنیا کرد، هیچ عاملی

در آلمان و ژاپن هم‌تراز علاقه به مملکت و وطن و تعلق عمیق روانی به وطن وجود ندارد. ما می‌توانیم ۱۵ الی ۲۰ عامل مشخص کنیم که چرا آلمان، آلمان شد و ژاپن، ژاپن شد، ولی عامل بسیار تعیین کننده این است که علاقه عمیقی به وطن وجود دارد، این آب و خاک به ما تعلق دارد، اجداد ما اینجا به دنیا آمده‌اند و ما یک وظیفه‌ای نسبت به این خاک داریم. پس اگر بخواهیم بین پدیده فرهنگ و امنیت ارتباط برقرار کنیم باید به فکر تربیت باشیم» (سریع‌القلم، ۱۳۷۹).

بنابراین نیروی انتظامی باید با همکاری سایر دستگاه‌ها به ویژه متولیان امور فرهنگ و آموزش جامعه، فرزندان این مرز و بوم را به گونه‌ای پرورش دهد و فرآیند جامعه‌پذیری آنها را طوری هدایت کند که افراد جامعه برای رفتار قانونمند و مطابق با هنجارها بی‌نیاز به حضور پلیس باشند و علاوه بر این که پلیس دیگران هستند، پلیس خود نیز باشند و عاملی درونی و قوی ایشان را در مدار نظم اجتماعی و قانونمداری هدایت کند.

۳-۲-۳- آموزش عمومی:

نکته‌ی دیگر توجه به امر اطلاع‌رسانی و آموزش‌های عمومی است. «پوشش خبری وقایع امنیتی و جنایی به شیوه‌های مطلوب و ارایه‌ی برنامه‌های آموزشی در خصوص چگونگی حفاظت از مال، جان، عرض و ناموس خود، زمینه مساعدی را برای امنیت مشارکتی به وجود خواهد آورد. اگر مردم از نحوه‌ی فعالیت و حدود وظایف و اختیارات دستگاه‌های امنیتی و انتظامی باخبر باشند، و آموزش‌های لازم را در زمینه نحوه همکاری با این مؤسسات فرا گرفته باشند، بهتر می‌توانند انتظارات و خدمات مورد انتظار از سوی این سازمان‌ها را برآورده کنند» (نشریه امنیت دی ۱۳۷۶).

۴-۲-۳- توجه به فرهنگ بومی:

مطلب دیگر اینکه مشارکت مردم با پلیس می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد. مع‌الوصف توجه به ارایه‌ی استراتژی‌های بومی می‌بایست به عنوان یک اصل اساسی در تعیین انواع مشارکت‌های مردمی با پلیس مورد توجه دست‌اندرکاران امر

باشد. یعنی توجه به کلیه شرایط و احوال فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه در تعیین شیوه‌های مشارکت مردم با پلیس کاملاً ضروری است. مثلاً در جوامع سنتی روابط خویشاوندی و سنت ریش‌سفیدی در مشارکت اجتماعی مردم تأثیر داشته است.

در کشوری مثل ایران، نهادهای دینی مثل مسجد، دسته‌جات مذهبی، نهادهای اجتماعی مثل بسیج تعاونی‌ها، کانون‌های خیریه مردمی، زورخانه‌ها خانواده و ... از نهادهای و مراکز گسترش و تعمیق مشارکت و همبستگی اجتماعی بوده‌اند. در پاره‌ای کشورها پلیس از طریق رسانه‌ها و همکاری گروه‌های کوچک و خانه به خانه، تشکیل کمیته‌های مشترک (پلیس محله) با کمک به بهبود زندگی مردم، تشکیل سازمان‌ها و انجمن‌های ممانعت‌کننده از جرایم که در شهرهای کوچک به ثبت رسیده و حالت رسمی و قانونی پیدا کرده‌اند، یک تجربه مشارکت اجتماعی چندبعدی صورت گرفته و نتایج مثبتی داشته است.

۵-۲-۳- تلاش‌های همزمان درون و برون سازمانی:

بالاخره باید توجه داشت که حرکت در جهت پلیس جامعه‌محور و استفاده از مشارکت مردمی در کار پلیسی یک حرکت دو سویه است. در واقع از یک سو، می‌باید در جهت نزدیک ساختن کارکنان به شاخص‌های مورد نظر پلیس اجتماعی نمود داشته باشد و از سوی دیگر به تأثیرات ژرف اجتماعی و نوعی سیستم دفاعی اجتماعی مبنی بر ۱- خودکنترلی و ۲- مشارکت همگانی بیانجامد. بر این اساس یک فرمانده هوشمند و موفق نیروی انتظامی تلاش می‌کند تا بهره‌گیری از کارکردهای معاونت اجتماعی در درون و برون سازمان خویش به اهداف ذیل دست یابد:

۱-۲-۳- درون سازمانی:

- ۱- ارتقای فرهنگ سازمانی و رفتار سازمانی.
- ۲- ایجاد تغییر در تفکر و منش بدنه نیرو از تفکر تهدیدمحور به جامعه‌محور و شکل‌گیری مفهوم عملی پلیس اجتماعی.

۳- برقراری تماس و تعامل میان بدنه‌ی نیروهای پلیس با اقشار فرهنگی، اجتماعی و علمی.

۴- گسترش روحیه تفکر، مطالعه، تحقیق و پژوهش میان کارکنان.

۵- بالا بردن ضریب موفقیت و کارایی عملیات انتظامی با استفاده از پیوست اجتماعی.

۶- کاهش حجم پرونده‌های انتظامی و قضایی (مددکاری و مشاوره).

۷- ایجاد یک نظام مستندسازی درون‌سازمانی به گونه‌ای که تصویری شفاف از خارج مجموعه برای درون سازمان ایجاد شود.

۲-۵-۲-۳- برون‌سازمانی:

۱- بهره‌گیری از توان بی‌نظیر مردم در جهت توسعه، نظم و امنیت اجتماعی «سیستم خودکنترلی و دفاع اجتماعی».

۲- رفع و درمان مسایل، آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی از طریق اجتماعی.

۳- استفاده از عملیات روانی در جهت همسو ساختن فضای جامعه با مأموریت‌ها.

۴- جلب مشارکت مردمی و برقراری ارتباط با اقشار گوناگون و سهیم نمودن مردم در فرآیند تولید نظم و امنیت اجتماعی.

۵- بالا بردن سطح امنیت روانی در جامعه از طریق اطلاع‌رسانی به موقع.

۶- تهیه برآوردهای اجتماعی از فضای عمومی و بلوک‌بندی‌ها و پژوهش‌های مستمر در جهت شناخت واکنش‌های اجتماعی به طرح‌ها، مأموریت‌ها و روش‌های مورد استفاده توسط نیروی انتظامی.

۷- آموزش جامعه در حوزه‌های انتظامی، امنیتی، تربیتی و فرهنگی برای کاهش سطح معضلات اجتماعی (طلایی، ۱۳۷۲).

۴- مستندات تاریخی

به طور تاریخی، در ایران همواره رویکردی اقتدارگرا از سوی نهادهای انتظامی در برقراری نظم و امنیت دنبال می‌شده است. این امر، بازتاب واقعیت بزرگ‌تری است و آن اینکه حاکمیت و نهادهای نظامی و انتظامی کمترین توجه را به جلب اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی مردم معطوف داشته‌اند. به همین دلیل، مردم حداقل مشارکت انتظامی را در عرصه زندگی اجتماعی از خود جلوه‌گر ساخته‌اند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همگام با تحول سطح مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، تحول قابل توجهی در امر مشارکت انتظامی مردم و همچنین توجه به رویکرد جامعه‌محوری از سوی نهادهای انتظامی بوجود آمد. بخصوص طی چند سال اخیر اقدامات قابل توجهی از سوی نیروی انتظامی در این راستا صورت گرفته، مع‌الوصف نه نیروی انتظامی و نه هیچ یک از نهادهای متولی نظم و امنیت کشور به هیچ‌وجه نتوانسته‌اند از تمام ظرفیت‌های بالقوه اجتماعی خود در بهبود وضعیت نظم و امنیت کشور استفاده نمایند.

این در حالی است که براساس تعالیم عالیه اسلام مردم نقش و جایگاه ویژه‌ای در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی از جمله حوزه نظم و امنیت دارند. بر همین اساس است که در سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) شاهد توجه خاص به لزوم مشارکت مردم در عرصه نظم و امنیت اجتماعی هستیم. امام علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر به خوبی به نقش توده مردم در حوزه امنیت اشاره نموده و می‌فرماید: «خواص همواره سنگینی [بار] را بر حکومت تحمیل می‌کنند، زیرا در روزگار سختی یاریشان کمتر و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر و در خواسته‌هایشان پافشارتر و در عطا و بخشش [از ناحیه دیگران] کم سپاس‌تر و به هنگام منع [از] خواسته‌ها دیر عذر‌پذیرتر و در برابر مشکلات کم استقامت‌تر

می‌باشند. در صورتی که ستون‌های استوار دین، اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی عموم مردم می‌باشند، پس به آن‌ها گرایش داشته‌اشتیاق تو با آنان باشد» (نهج البلاغه: خ ۳۴، ص ۵۹۶).

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران نیز مردم را به مشارکت گسترده در مقوله نظم و امنیت اجتماعی تشویق نموده و می‌فرماید: «من از شما خواستارم که به دولت کمک کنید. به ژاندارمری کمک کنید. فقط این نباشد که منتظر باشید دولت همه کارها را بکند، دولت نمی‌تواند همه کارها را انجام دهد. شماها باید پشتیبانی کنید، هم از ارتش هم از قوای انتظامی و کلانتری‌ها و همه با هم جلوی مفسده جویان را بگیرید» (صحیفه نور: ج ۵).

مقام معظم رهبری نیز به خوبی به رویکرد جامعه‌محوری پلیس توجه داشته و خطاب به نیروی انتظامی می‌فرماید: «شما احتیاج به همکاری مردم دارید، این همکاری را از طریق اعتماد و اعتقاد مردم جلب کنید. اعتقاد مردم را می‌توانید با عملکرد و تبلیغات جلب کنید. با هر چه که در این اعتماد رخنه وارد می‌کند مقابله کنید».

با توجه به آن چه گذشت، برای استفاده از مشارکت حداکثری مردم در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی، می‌بایست راهکارهای نهادینه کردن رویکرد جامعه‌محوری پلیس شناسایی و در قالب یک استراتژی و برنامه مدون این تدابیر و راهکارها به مرحله اجرا گذاشته شوند.

۵- نتیجه‌گیری

توجه به رویکرد جامعه‌محوری در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تعامل و همکاری نیروی انتظامی و مردم را افزایش می‌دهد. حاصل توسعه این تعامل و همکاری هم برای سازمان نیروی انتظامی و هم برای مردم دستاوردهای قابل توجهی را به همراه خواهد آورد. در سطح سازمانی، توجه به رویکرد جامعه‌محوری

در اجرای مأموریت‌های مختلف نیروی انتظامی، سبب می‌گردد افراد و گروه‌های اجتماعی در برنامه‌ها و مأموریت‌های نیروی انتظامی که نیاز به همکاری مردم دارد، مشارکت نمایند.

در سطح اجتماعی نیز بالطبع، نتیجه همکاری و مشارکت مردم آثار بسیار سودمندی را برای خود مردم در برداشته و دارد. در واقع، چون هدف تمام مأموریت‌ها و برنامه‌های سازمان نیروی انتظامی ارایه خدمت بهتر به مردم در حوزه نظم و امنیت است، بنابراین هر چقدر مشارکت مردم در اجرای این برنامه‌ها با نیروی انتظامی بیشتر باشد؛ خود مردم بهتر از نتایج حاصل منتفع می‌شوند. چندین تجربه مشارکتی مردم با نیروی انتظامی در چند سال گذشته و سال جاری در اجرای چند مأموریت مؤید همین حقیقت می‌باشد. به عنوان نمونه مشارکت عمومی در اجرای طرح‌های ویژه ترافیکی در ایام نوروز، کاهش قابل توجهی از حجم تصادفات و کاهش مرگ و میر و صدمات انسانی در سطح جاده‌های کشور را در بر داشت که قطعاً در صد قابل توجهی از این موفقیت ناشی از همکاری و مشارکت خود مردم و رانندگان در اجرای این طرح ملی بود. مسلماً اگر مردم در بخش‌های مختلف اجرای این طرح خصوصاً در بخش اطلاع‌رسانی مشارکت نمی‌نمودند، به هیچ وجه نتایج حاصل از اجرای این طرح به این اندازه موفقیت‌آمیز نمی‌بود.

تجاریبی از این دست نشان می‌دهد که نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در راستای اتخاذ یک سیاست جنایی مشارکتی در امر کنترل جرایم و برقراری نظم و امنیت اجتماعی به همکاری و مشارکت همه‌جانبه مردم نیاز دارد، بنابراین می‌بایست تعامل و همکاری خود را با گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله گروه‌های سنی جوان، ساکنین محلات، نهادهای مختلف اجتماعی و حتی سازمان‌های دولتی بیش از پیش توسعه دهد.

منابع:

الف) منابع فارسی:

- ۱- ادوارد، ای.تی. دولت و دیگران، مدیریت پلیس براساس پیشگیری از وقوع جرم (ترجمه معاونت آموزش ناجا) - انتشارات معاونت آموزش ناجا، ۱۳۸۱.
- ۲- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی تهران: انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۰.
- ۳- جرج ولد و دیگران، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- ۴- دمپسنی، تام، میانی و اصول گشت انتظامی، ترجمه حسن شمس نژاد، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۱.
- ۵- دنیس پ، روزینام، پیشگیری از جرم، ترجمه حمیدرضا حبیبی، ناشر معاونت آموزش ناجا، ۱۳۸۰.
- ۶- ربانی، رسول، جامعه‌شناسی جوانان، تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۸۰.
- ۷- اداره کل پژوهش و تالیفات معاونت آموزش ناجا، عملیات گشت انتظامی و بازجویی مقدماتی، ترجمه و تدوین ۱۳۸۱.
- ۸- کارن، ام هس و لیندا، اس میلر، پلیس در اجتماع، ترجمه محمدرضا کلههر، معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی ناجا - سازمان چاپ و انتشارات سروش، ۱۳۸۳.
- ۹- ترویا نوویچ، رابرت و باکوروکس، بانی، پلیس جامعه‌محور، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا، انتشارات فرات، ۱۳۸۳.

- ۱۰- بنت، ماوین و ام هس، کارن، آموزش و تربیت کارکنان پلیس، ترجمه اکبر استیری و دیگران، فصلنامه دانش انتظامی، نشریه دانشگاه علوم انتظامی، سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۰.
- ۱۱- سوادکوهی، سام «حمایت از قربانی جرم در فرآیند دادرسی کیفری»، ماهنامه دادرسی، سال هفتم، شماره ۳۸، خرداد و تیرماه ۱۳۸۲.
- ۱۲- گل محمد خامنه، علی «ضابطین دادگستری و دستگیری متهم»، ماهنامه علوم انتظامی، نشریه دانشگاه علوم انتظامی، شماره ۱۵، مهر و آبان ۱۳۸۰.
- ۱۳- گل‌یزال، ژان، «امنیت، پلیس و جرم» ترجمه علی اواسط جاویدزاده، نشریه امنیت، سال اول، شماره ۳.
- ۱۴- مصطفی، شهلا، «جرم، شهر، سیاست‌هایی برای پیشگیری» نشریه امنیت، سال چهارم، شماره ۹ و ۱۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰.
- ۱۵- میلر، لیندا و ام هس، کارن «کار پلیس با مشارکت اجتماعی» ترجمه رضا کلهر، فصلنامه دانش انتظامی، نشریه دانشگاه علوم انتظامی، سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۰.
- ۱۶- نجفی ابرندآبادی، علی حسین «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی»، نشریه امنیت، سال چهارم، شماره ۱۹ و ۲۰، ۱۳۷۹.
- ۱۷- جان گراهام، استراتژی‌های پیشگیری از جرم در اروپا و آمریکای شمالی، ترجمه موسسه جرم‌شناسی دانشگاه تهران، هلیسنکی، فنلاند، ۱۹۹۰.
- ۱۸- اداره کل پلیس بین‌الملل ناجا، بررسی ضرورت معیارهای رفتاری پلیس، ۱۳۸۰.
- ۱۹- اداره کل پلیس بین‌المللی ناجا، پیشگیری از جرم و کنترل اجتماعات در شهرهای بزرگ، ۱۳۸۰.

- ۲۰- اداره کل پلیس بین‌الملل ناجا، نوآوری پلیس و مشارکت‌های محلی بخش پلیس نیویورک، ۱۳۷۹.
- ۲۱- مرکز اطلاع رسانی ناجا، هفته‌نامه‌های تحلیلی، خبری امنیت پایدار.
- ۲۲- سریع‌القلم، محمود، ماهنامه امنیت، شماره ۱۵ و ۱۶، مهر و آبان ۱۳۷۹، ص ۳۰ تا ۳۴.
- ۲۳- نشریه امنیت، سال اول، شماره سوم، دی‌ماه ۱۳۷۶.
- ۲۴- طلایی، مرتضی، هفته‌نامه امنیت پایدار، شماره ۶۵، مرداد ۱۳۷۲.

(ب) منابع لاتین:

- 1- Barker. G: Musick.J, *rebuilding ents of survival: A comparative analysis of the needs of at-risk*, 1994.
- 2- Bartollas, Clements, *Jurenile Delinquency*, Allyn Bacon, 1999.
- 3- Becket R, Assesment of sex offenders. In: *Morrision T, Erroga M, Becket Sexual offending against children*. children. Routledge. London.3.55.97, 1994.
- 4- Bernard Thomes. J, Testing structure strein theories, *Journal of research in crime and Delinquency*, 1987.
- 5- Cheseny, lind. Meda & Randall, G, shelden *Girls Delinquency and Juvenile Justice*, west, wasdworth, 1997.
- 6- cho, Y. H, *Public policy and urban crime*. Dallinger, Cambridge, Mass, 1974.
- 7- Drowns. Robert. W.& Karrer. M.Hess, *Juvenile Justice* wasdworth, 3ed, 2000.
- 8- Nadon. S. Koerola: C Schulderman. E. Antecedents to prostitution: childhood victimizarion, *Journal of Interpersonal violence*, 13(2): 206-221, 1998.

9- Schetky, Diana. H, *Child pronography and prostitution child sexual Abuse*, Bryner/Mazel, 1988.

10- shomakher. D.J, *Theories of Delinquency*: New York. Oxford University press, 1990.

11- www.community_policing.org / community policing consortium.

12-www.dps.state.mo.us/dps/programs/comprev/hmpg.htm.

13- www.neighborhood_safety.org



شعبه‌شناسی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی